

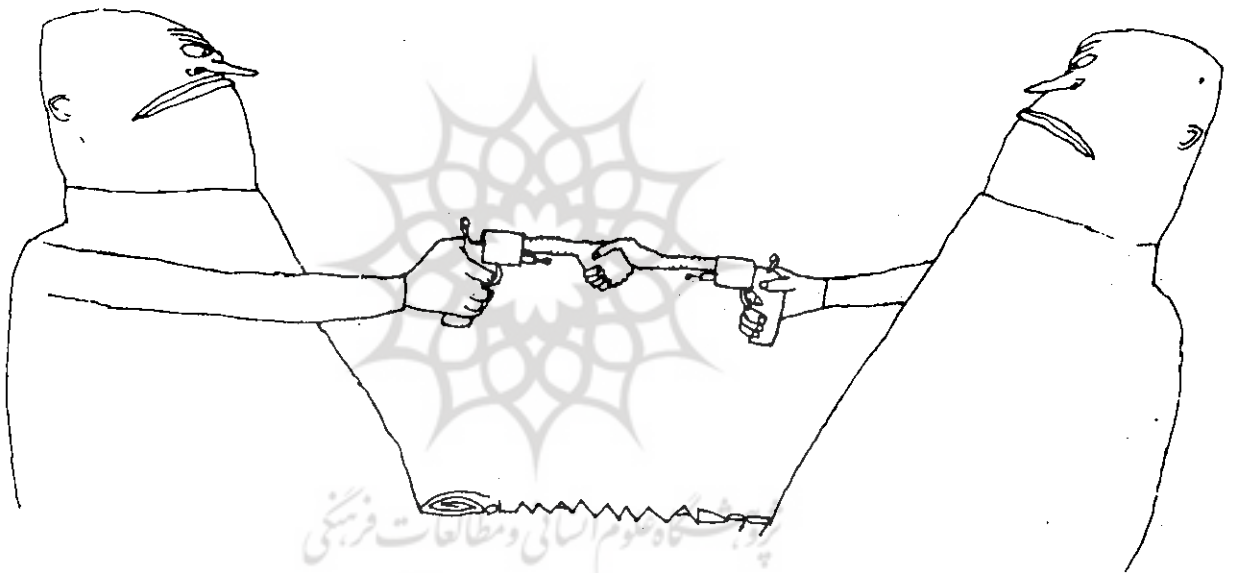
به دنبال پیروزی چشمگیر اصلاح طلبان در انتخابات مجلس، برخی محافل سیاسی در واشنگتن به احتمال گفت و گوی رسمی آمریکا و ایران اشاره کردند. این جریان معتقد است که (احتمالاً) رییس جمهور خاتمی با توجه به وضعیت جدید مجلس ایران و پایگاه مردمی، می تواند در راستای خط مشی مذاکره با آمریکا گام بردارد. برخی اطلاعات به نقل از منابع ایرانی حاکی از آن است که شورای عالی امنیت ملی

ولی بنیادی در جامعه ایران می دانند که کم رنگ کننده رویکرد قبلی ایرانیان نسبت به امریکاست که نشان می دهد علی رغم تحجرگرایی رژیم ایران در سال های گذشته، می تواند در شرایط جدید خود را با نظام جدید بین المللی هم سو کند. حتی برخی از صاحب نظران بر این اعتقادند که تحولات جدید در ایران صرفاً خواست جناح اصلاح طلب نبوده و شخص رهبر انقلاب نیز چنین روندی را در موافقت با خط

نظام از درون توجه دارند و حتی اگر توسعه سیاسی منجر به این شود که رجال مذهبی از قدرت کنار بروند، بدان معنا نخواهد بود که تهدید بین المللی این کشور تخفیف پیدا کند و حتی ممکن است در یک روند جدید، منافع ایالات متحده را مورد تهدید قرار دهد. بر این اساس زمان لغو تحریم ها هنوز فرا نرسیده است و مادامی که ایران مواضع عملی خود را نسبت به ترویس، سلاح های کشتار جمعی و روند صلح

کشمکش دو جناح آمریکا بر سر رابطه رسمی با ایران

ویکتور شل هوب



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

ایران شش هفته قبل (اواخر دی ماه ۱۳۷۸) به اتفاق آرا تجدید روابط با ایالات متحده را تصویب کرد. با این حال دولتمردان آمریکایی در تجدید روابط با ایران وحدت عقیده ندارند و بطور مشخص دو نظریه کاملاً متفاوت رو در روی هم صف آرایی کرده اند که یکی از تجدید روابط با ایران استقبال می کند و دیگری نسبت به این تحول ابراز نگرانی می نماید.

صاحب نظران جریان نخست بر این اعتقادند که هر چند نیروهای اصلاح طلب در ایران ضرورتاً با ایالات متحده احساس دوستی و نزدیکی نمی کنند، اما جا دارد که با لغو برخی تحریم ها، موقعیت آنان را تثبیت نمود، چرا که پیروزی آن ها به سود آمریکا می باشد. این جریان نتایج انتخابات را نشانه یک نوع تحول هر چند کند،

مشی رییس جمهور خاتمی مدنظر دارد، منتها بدون آن که به اصول اساسی جمهوری اسلامی خدشه ای وارد آید. چرا که در صورت نبودن این توافق اساساً شکل گیری این تحولات و روی کار آمدن دولت خاتمی امکان پذیر نبوده است.

جریان مخالف تجدید نظر در رابطه با ایران که از محافظه کاران تندروی آمریکایی و هواداران اسرائیل هستند، در عقاید پیشین خود نسبت به ایران ثابت قدم بوده و تحولات اخیر ایران را صرفاً یک تحول داخلی می دانند که در سیاست خارجی ایران نقشی را ایفا نخواهد کرد. صاحب نظران این جریان بحث رشد خط مشی میانه روی در ایران امروز را یک ساده اندیشی تلقی می کنند و بر این اعتقادند که میانه روها در ایران تنها به یک دموکراسی عملی و اصلاح

خاورمیانه تصحیح نکند، نباید به تجدید رابطه با ایران اندیشید. محافظه کاران تندروی آمریکایی بر این اعتقادند که دولت آمریکا باید در قبال درخواست های مالی ایران از بانک جهانی به شدت ایستادگی کند. این جریان که گروه فشار اسرائیلی نام گرفته است در سال ۱۹۹۳، نیز (همزمان با ریاست جمهوری رفسنجانی) روند اعطای وام به ایران را متوقف ساخت، با این تلقی که ایران یک تهدید امنیتی برای ایالات متحده به شمار می رود. این که در آینده کدام یک از این دو جناح آمریکایی غلبه خواهند کرد، بسته به عواملی است که هنوز در بوته آزمایش بسر می برند.

به نقل از الخلیج، فوریه ۲۰۰۰

